

ارائه راه‌حلی برای تبیین حقوق جنسی بانوان بر اساس رویکردهای حقوقی و اخلاقی

مریم قوجائی خامنه*^۱

محمد رضا سالاری فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

چکیده

در نظام جنسی دین مبین اسلام، ارضای میل جنسی در مسیر هدفمند و حرکت به سوی کمال، یک اصل محسوب می‌شود که به جهت دارا بودن کارکرد تأمین آرامش جسمی و روانی، این غریزه در آموزه‌های اسلامی دارای ارزش است. ارضای نیاز جنسی همسر از وظایف مشترک زن و مرد است که مستندات متعددی در خصوص حق و تکلیف هر دو طرف وجود دارد. آنچه در بین حقوق جنسی زن و مرد متمایز به نظر می‌آید، حق بهره‌مندی از استمتاع (رابطه) جنسی از حیث زمان است که در مقابل مطلق و بلامنازع بودن حق مرد در این مسئله، حق زن مقید به چهار ماه یک‌بار شده است. در ادبیات اسلامی موجود، دو رویکرد حقوقی و اخلاقی به چشم می‌خورد که هر کدام ادله‌ای دارد. در پژوهش حاضر با روش تبیینی-تحلیلی، ادله هر دو رویکرد بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ادله رویکرد حقوقی قابل نقد است و ادله رویکرد اخلاقی از اتقان بیشتری برخوردارند. در نتیجه، دیدگاه مشهور، یعنی محق بودن زن نسبت به حق جنسی هر چهار ماه یکبار، «حکم اولی شرعی» و بالاترین حد زمانی است که شارع تعیین کرده و ناظر به شرایط عادی است و با وجود اموری مانند جوانی، تمایلات و نیاز جنسی زن، مرد نمی‌تواند خود را نسبت به این نیاز، غیرمسئول بداند. همچنین با توجه به فتاوی‌های فقهای معاصر، جایگاه عرف در امور جنسی زوجین، تقدم اخلاق بر حقوق در روابط خانوادگی و حساسیت روانی بانوان، رویکرد اخلاقی یعنی همان بهره‌مندی زن از رابطه جنسی در کمتر از چهار ماه و به هنگام نیاز، تقویت می‌شود.

کلیدواژه‌ها

حقوق جنسی، تمکین، نشوز، استمتاع زوجه، رویکرد حقوقی، رویکرد اخلاقی.

۱. نویسنده مسئول) دانش‌آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران.

m.ghojaei.kh@gmail.com

Msalarifar@rihu.ac.ir

۲. دانشیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه

جعل و اعتبار حق و تکلیف در امور جنسی، به وجود غریزه در دو جنس زن و مرد بازمی‌گردد که در مورد چگونگی ارضای آن، سه دیدگاه کلی تفریطی (راسل، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۰۸)، افراطی (توکلی، ۱۳۷۸، ص ۴۲؛ استور، ۱۳۷۵، ص ۲۶) و متعادل (دیدگاه اسلام) وجود دارد. در دیدگاه متعادل، هر دو رویکرد تفریطی و افراطی مورد مخالفت قرار می‌گیرند و آنچه مورد توجه است، اعتدال در پاسخگویی به نیاز جنسی است که در واقع دیدگاه اسلام است. در نگاه اسلامی، ارضای میل و رفتار جنسی در مسیر هدفمندش، یک اصل محسوب می‌شود (عباسی، ۱۳۹۶، ص ۵۰).

آیات قرآن آبر کارکرد تأمین آرامش روانی و سکون نفس غریزه جنسی دلالت دارند که انسان را در طریق حرکت به سوی کمال یاری می‌دهد (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۶۷). در روایات نیز آمده است که لذت جسمانی ناشی از رابطه جنسی، سبب رفع افسردگی، بروز نشاط در فرد، برطرف شدن سستی و تسکین برخی دردهای بدن او می‌شود^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹۱). امر کردن به ازدواج، جواز و عدم قبح اخلاقی آمیزش شرعی جنسی با همسر و کنیزان، دور

۱. من غلب شهوته ظهر عقله (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۸۱).

من زادت شهوته قلت مروته (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۹۲).

طاعة الشهوة تفسد الدين (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۴).

و روي عن رسول الله صاته وصف القيامة لأصحابه يوماً و بالغ في إنذارهم فرقوا فاجتمعت جماعة من الصحابة في بيت عثمان بن مظعون و اتفقوا على أن لا يزالوا صائمين قائمين و أن لا يأكلوا اللحم و لا يناموا على الفراش و لا يقربوا النساء و الطيب و يرفضوا لذات الدنيا و يلبسوا المسوح أي الصوف و يسبحوا في الأرض أي يسبوا فبلغ رسول الله ص ذلك فقال إني لم أؤمر بذلك إن لا تفسدكم عليكم حقاً فصوموا و أفطروا و قوموا و ناموا فإني أفوم و أنام و أصوم و أفطر و أكل اللحم و الدسم فمن رغب عن سني فلنيس مئي (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۲، ص ۱۱۲).

۲. و من آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمة إن في ذلك لآيات ليعرفون (روم، ۲۱). هو الذي خلقكم من نفس واحدة و جعل منها زوجها ليسكن إليها... (اعراف، ۱۸۹).

۳. إذا كان بأحدكم أو جاع في جسده و قد غلبته الحرارة فعليه بالفراش قيل للباقر ع يا ابن رسول الله ما معنى الفراش قال غشيان النساء فإنه يسكنه و يطفه؛ «اگر کسی از شما احساس کوفتگی در بدن داشت و حرارت بدنش بالا رفته بود، بر اوست که هم‌بستر شود».

ظسنگاه داشتن خویشتن از حرام^۱ از اصول اسلام در این زمینه است. در نگاه آیات و روایات، لذت‌بری جنسی حلال و مشروع، از برترین لذات (دنیوی و اخروی) و زینت‌های دنیایی^۲ شمرده شده که دارای استحباب شرعی و موجب رشد و کمال و جلب رحمت خاص خداوند است. ارزش‌گذاری نسبت به این گزینه و نظر مثبت آموزه‌های اسلامی تا حدی است که برای روابط زناشویی پاداش‌های بسیاری^۳، از جمله آمرزش گناهان و ثوابی معادل جهاد، در نظر گرفته شده است^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۶).

ارضای نیاز جنسی همسر از وظایف مشترک زن و مرد است که مستندات متعددی در خصوص حق و تکلیف هر دو طرف وجود دارد.^۵ (همان، ص ۵۰۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۵). بررسی مسئله حقوق جنسی زن و ادله آن از منظر فقه امامیه، هدف اصلی این نوشتار است. به عبارتی، سؤال اصلی در این بحث این است که در دیدگاه اسلام، در حق جنسی زن و مرد از حیث کمیت و کیفیت، تفاوتی وجود دارد یا خیر و در منابع اسلامی و تحقیقات و تألیفات، چه رویکردهایی نسبت به حقوق جنسی بانوان وجود دارد.

با بررسی و مطالعات انجام‌شده، پیشینه موضوع را در مقالات ذیل چنین می‌توان گزارش نمود:

- «بازخوانی ادبیات فقهی حاکم بر روابط جنسی زوجین با رویکرد تحقق سلامت جنسی در ازدواج» نوشته شکیبا امیرخانی و محمود ویسی (۱۳۹۸): در این مقاله، ادبیات فقهی

۱. وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (مؤمنون، ۶۵).

۲. زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَيْتِ... وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران، ۱۴) - الذَّاشِيَاءُ مِبَاضِعَةُ النِّسَاءِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۱).

۳. مَا تَلَدَّدَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَلَدَّةَ أَكْثَرِهِمْ مِنَ لَدَّةِ النِّسَاءِ، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۱).

۴. أَنْتَ أَهْلَكَ تُوجِرُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِيهِمْ وَأُوجِرُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَكَمَا أَتَيْتَ إِذَا أَتَيْتَ الْحَرَامَ أَزْرَتْ فَكَذَلِكَ إِذَا أَتَيْتَ الْحَلَائِلَ أُوَجِرْتَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تَرَى أَنَّهُ إِذَا خَافَ عَلَىٰ نَفْسِهِ فَأَتَى الْحَلَائِلَ أُوَجِرَ.

۵. أَمَّا إِتْيَانُهُ إِذَا أَقْبَلَ أَكْتَفَهُ مَلَكَانِ فَكَانَ كَالسَّاهِرِ سَيْفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ جَامِعٌ تَحَاتُّ عَنْهُ الدُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ فَإِذَا هُوَ اعْتَسَلَ أَنْسَلَخَ مِنَ الدُّنُوبِ.

۶. لَا تَمْنَعُهُ نَفْسُهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۷) - قَالَ إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ آثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۵).

حاکم بر روابط جنسی زوجین مورد بازخوانی قرار گرفته است تا میزان ورود و تأثیر استنباطات فقهی در تأمین «سلامت جنسی» همسران سنجیده شود.

- «تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی» نوشته مرضیه شعرافچی زاده و همکاران (۱۳۹۹): در این مقاله، به تشابه و تفاوت نشوز زوج و زوجه در فقه و قانون مدنی و قوانین حامی خانواده پرداخته شده است تا فقدان نشوز زوج در قوانین و عدم ضمانت اجرایی در پاسخ‌گویی نیاز جنسی زوجه اثبات گردد. گفتنی است که مقاله «نشوز زوج، تزلزل در سلامت جنسی زوجه، وضعیت فراموش شده در قوانین ایران» نوشته محمدمهدی داداشی چکان و حمید آشنا (۱۳۹۷)، نیز در صدد اثبات همین مطلب است.

- «قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانواده» نوشته سعید نظری توکلی و فاطمه کراچیان ثانی (۱۳۹۷): در این نوشتار، به دوسویه بودن حقوق جنسی همسران اشاره شده و پاسخ‌گویی به نیاز جنسی همسر با معیار نیاز جنسی واجب دانسته شده است نه با حکم محدود بودن به هر چهار ماه یک‌بار.

برخی مقالات نیز به ترجیح اخلاق بر حقوق در روابط همسران پرداخته‌اند؛ مانند:

- «اخلاق‌گرایی نه قانون‌گذاری سهم اخلاق در پهنه خانواده» تألیف مصطفی مظفری و علیرضا پوراسماعیلی (۱۳۹۰).

- «مقایسه رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا در انعطاف‌بخشی به روابط همسران و حقوق زنان (با تأکید بر آیه ۲۲۸ سوره بقره)» نوشته معصومه حافظی و طیبیه حسام‌پور (۱۳۹۸).

در مقاله «کارکردهای اصل عفاف در حقوق خانواده» نوشته فرج‌الله هدایت‌نیا (۱۳۹۵) نیز محقق با استناد به لزوم رعایت عفاف، بر این باور است که اگر خطر به ضرر افتادن زوجه پیش از چهار ماه وجود داشته باشد، برقراری ارتباط جنسی بر مرد واجب است تا عفت زن حفظ شود. با توجه به عنایت پژوهشگران حوزه زن و خانواده به مسئله حقوق جنسی زوجین و زنان به‌طور خاص، مقالات متعددی با رویکردهای مختلف به چاپ رسیده است که در این مقال، فرصت پرداختن به آنها وجود ندارد. در نوشتار حاضر با روش تبیینی-تحلیلی، دو رویکرد

اخلاقی و حقوقی موجود در گزاره و ادبیات فقهی موجود، بررسی خواهد شد تا حکم مشهور حق بهره‌مندی زن از رابطه جنسی در بازه زمانی چهار ماه یک‌بار نقد و بررسی شود.

۱. جعل و اعتبار حقوق جنسی برای همسران در اسلام

بر اساس رابطه تلازمی حق و تکلیف (توسلی، ۱۳۷۷، ص ۷۰-۷۲)، همچنان که زن تکالیفی جنسی در مقابل شوهر به عهده دارد و موظف به تمکین می‌باشد، از حقوقی نیز برخوردار است؛ هرچند تفاوت‌هایی در کمیت و کیفیت این حقوق در جانب زن و شوهر وجود داشته باشد. همان‌گونه که از معنای تحت‌اللفظی «رابطه جنسی» برمی‌آید، استمتاع جنسی امری کاملاً دوجانبه است و هرگونه نیاز به ارضای جنسی در فرد، پاسخی به صورت وظیفه و تکلیف در همسر او دارد. در مورد حق جنسی شوهر، بحث بلامنازع است؛ به این معنا که بدون هیچ اختلافی، زن باید امکان بهره‌گیری جنسی را (در حد متعارف) برای شوهرش بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی یا مکانی فراهم کند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۳۹؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۶۴ و ۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱۲ و ۱۱۷). به عبارتی، اسلام حق بهره‌گیری جنسی از زن را مهم‌ترین حق شوهر بر زن دانسته و با صرف‌نظر از برخی استثناءها، محدودیت قابل توجهی برای این حق در نظر نگرفته است و از طرفی، ضمانت‌های قانونی برای استیفای این حق در اختیار مرد قرار داده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۰۷). روایات متعددی نیز در امر به پاسخگویی زنان به نیاز جنسی شوهر و نکوهش کوتاهی در آن وجود دارد.^۱ اما در مورد حق جنسی زن، ادله فقهی-اخلاقی متعددی بر حقوق جنسی وی دلالت دارند که به رویکردهای

۱. برای هیچ زنی روا نیست که بخوابد مگر اینکه خودش را به شوهرش عرضه کند، جامه هایش را درآورد، در بستر او درآید و پوست خود را بر پوست او بچسباند؛ اگر چنین کند، پس خود را عرضه نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳). هرگاه مرد زنش را برای نیازش فراخواند و او خودداری کند و شوهرش آن شب را با ناراحتی از او بگذراند، تا صبح فرشتگان آن زن را لعنت می‌کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۵). پیامبر فرمود: خدا زنان تعلق‌کننده را لعنت کرده است ... زنی که شوهرش او را به بستر خویش فراخواند و او بگوید بعداً تا اینکه شوهرش را خواب ببرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۵). هرگز نماز خود را طول ندهید تا اینکه شوهرانتان را از خود بازدارید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۴).

متفاوتی در این زمینه منتج می‌شوند. گفتنی است که غیر از حق بهره‌مندی زن از استمتاع جنسی، مصادیق دیگری همچون حق قَسَم و حق مضاجعه وجود دارد که از موضوع این نوشتار خارج است و غرض نگارنده بررسی حق جنسی زن در خصوص استمتاع جنسی (رابطه جنسی کامل) است.

۲. جعل و اعتبار اصل پذیرش حق جنسی برای زن

اصل وجود حق جنسی برای زن امری مسلم و پذیرفته‌شده در فقه اسلامی است؛ به این معنا که اسلام حق ارضای جنسی را برای زن به رسمیت شناخته و با وضع دستورات حقوقی و توصیه‌های استحبابی به شوهران، شدت اهتمام خود به موضوع را ارائه نموده است. دلایل این مطلب به قرار زیر است.

۲.۱. دلایل قرآنی

آیات متعددی وجود دارد که مبین اصل وجود حق (و نیاز) جنسی برای زنان است:

۲.۱.۱. آیه ایلاء

«لَلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَأَوْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۲۶-۲۲۷).^۱

ایلاء سوگند شوهر بر ترک آمیزش با همسر دائمی است که به قصد زیان رساندن به وی صورت می‌گرفت و با این کار، او را هم از حق استمتاع جنسی و هم از حق ازدواج با دیگری محروم می‌کرد و گاه پس از پایان مدت، باز سوگند را تکرار می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۸۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۰۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۹۳). در این آیه، برای مردانی که با توسل به قَسَم از ادای حق جنسی زنان خود، سر باز می‌زنند، فرصت چهار ماهه تعیین شده

۱. کسانی که زنان خود را «ایلاء» می‌نمایند [سوگند یاد می‌کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند]، حق دارند چهار ماه انتظار بکشند [و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند]. اگر [در این فرصت] بازگشت کنند، [چیزی بر آنها نیست؛ زیرا] خداوند آمرزنده و مهربان است.

است تا تکلیف همسر خود را مشخص و به ادای حق جنسی واجب وی (هر چهار ماه یکبار) اقدام کند. در چنین وضعیتی، حاکم موظف به برخورد قضایی با مرد است؛ یعنی در صورتی که شوهر بنای نافرمانی و تمرد داشته باشد و امکان حبس وی نیز منتفی باشد، حاکم می‌تواند زن را طلاق دهد که این کار در راستای حمایت از حقوق زن انجام می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج ۳۳، ص ۳۱۱-۳۱۵).

۲.۱.۲. آیه‌ی ظهار

«الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» (مجادله، ۲).

«ظهار» از کارهای ناپسند جاهلیت بود که در پی آن، زن برای همیشه بر شوهر حرام می‌شد و حتی نمی‌توانست همسر دیگری انتخاب کند! اسلام این سنت را محکوم و دستور کفاره برای آن صادر نمود و در ضمن، زن می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع، مرد را موظف به طلاق رسمی یا رجوع به زناشویی کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۴۱۷). بلا تکلیف ماندن زن بعد از ظهار، مانع از ادای حق جنسی زن است.

۲.۱.۳. دستور به عدالت در بین زنان متعدد

«وَكُنْ تَسْتَبِيْعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَكُنْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ وَإِنْ تَصَلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء، ۱۲۹).

در آیه مذکور، در راستای سفارش عدالت به مردانی که همسران متعدد دارند، ایشان را از رهاسازی و بلا تکلیف گذاشتن یکی از زنان نهی کرده است. به این معنا که نه با او رابطه جنسی برقرار می‌کنند و نه او را رها می‌کنند که زناشویی دیگری را آغاز کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۵۳).

علاوه بر آیات مذکور که دلالت بر نیاز و حق جنسی بانوان دارد، آیاتی نیز دلالت غیر صریح به مسئله جنسی دارند. آیاتی با موضوعاتی همچون امر به ازدواج مردان و زنان بی همسر^۱، امر

۱. وَاتَّكِحُوا الْاَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور، ۳۲).

به عفاف (استعفاف) به هر دوی زن و مرد در صورت عدم وجود شرایط لازم برای ازدواج^۱، کارکرد ازدواج در آرامش گرفتن همسران از یکدیگر^۲ و تحفظ از گناه و ناپاکی برای یکدیگر^۳ (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۲۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۵۰ و ج ۱۴، ص ۴۵۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۱۳۴)؛ اهمیت ازدواج و بهره‌مندی جنسی را برای زن و مرد می‌رسانند.

۲-۲. دلایل روایی

روایاتی وجود دارند که در آنها به حق جنسی زنان به صورت اجمالی و بدون تفصیل پرداخته شده است؛ مانند روایات ذیل:

الف. از امام علی علیه‌السلام در مورد زنی سؤال شد که ادعا می‌کند که شوهرش با او رابطه جنسی ندارد و در مقابل، شوهرش خلاف آن را ادعا می‌کند. حضرت فرمود: آن مرد قسم داده می‌شود و سپس رها می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۸) که دلالت بر رسیدگی قضایی به دادخواست زن درباره محرومیت جنسی وی به دلیل ناتوانی یا خودداری شوهر دارد و نشانه پذیرش حق جنسی اوست.

ب. روایتی صحیح‌السند از امام صادق علیه‌السلام درباره مردی که یک سال از بستر همسر خود دوری کرده است که می‌فرماید: بر او واجب است با همسر خود ارتباط جنسی داشته باشد^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۰).

ج. روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید: مردی که با تعدادی زن ازدواج کند،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. وَ لَيْسَتْ عَفَافٌ الْذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور، ۳۳).

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱).

۳. «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره، ۱۸۷).

۴. خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۴۹۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۷۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۳۸ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ طباطبایی،

۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۰

۵. سَأَلَتْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَهْجُرُ امْرَأَتَهُ مِنْ غَيْرِ طَلَاقٍ وَلَا يَمِينٍ سَنَةَ لَمْ يُقْرَبْ فِرَاشَهَا قَالَ لِيَأْتِ أَهْلَهُ.

اما با آنها رابطه جنسی نداشته باشد و یکی از آنها زنا کند، پس گناه زنا بر آن مرد خواهد بود^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۹۹). بر اساس این روایت، مسئولیت انحراف جنسی زن شوهردار که ناشی از عدم ارضای جنسی وی در خانواده باشد، بر عهده شوهر است.

۲.۳. دلیل فقهی - حقوقی

از دیدگاه حقوق اسلامی که برگرفته از روایات فقهی است، در صورت اختلالات جنسی مرد، زن به جهت عدم برخورداری از عمل جنسی، امکان فسخ عقد ازدواج دارد (حق فسخ ازدواج توسط زن) (نجفی، بی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۳۴۶).

۳. تبیین و بررسی رویکردها و ادله مرتبط

در مورد حق زن در بهره‌مندی از رابطه جنسی، دو رویکرد حداقلی (حقوقی) و استحبابی (اخلاقی) متصور است. مراد از رویکرد حداقلی همان نظر مشهور فقهی است که از جهت زمان بهره‌مندی از رابطه جنسی، هر چهار ماه یکبار را برای زن مقرر کرده است و چون این حق، حداقل حق واجب است، این رویکرد را حداقلی نامیده‌ایم. اما در رویکرد دوم با تغییر نگاه و ترجیح اخلاق بر حقوق و همچنین استفاده از قواعد فقهی، به تبیین دیگری در باب حق جنسی بانوان می‌رسیم و آن اینکه گذشته از فتوای مشهور، می‌توان با اقتضائات دیگری، زوج را به ادای حق جنسی زن در کمتر از چهار ماه ملزم کرد و چون در این رویکرد، از دستورات اخلاقی بیشتر از الزامات فقهی بهره برده‌ایم و این رویکرد الزام فقهی رویکرد قبلی را از جهت فتاوی رایج ندارد، رویکرد استحبابی یا اخلاقی نامیده شده است. البته این به آن معنا نیست که در رویکرد دوم، از قواعد فقهی الزام‌آور استفاده نشده است.

۳-۱. رویکرد حداقلی (نگاه حقوقی)

در برخی از منابع فقهی و حقوقی زنان، اشاراتی بر رویکرد حداقلی وجود دارد. به‌طور مثال، در باب «تمکین»، تنها از تمکین زوجه سخن به میان رفته و وظیفه وی در مقابل شوهر دانسته شده است. این در حالی است که خود فقها در باب نشوز مردان به تبعیت از آیات و روایات،

۱. مَنْ جَمَعَ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَا يَنْكِحُ فَرَزْنَا مِنْهُنَّ شَيْءٌ، فَإِنَّهُنَّ عَلَيْهِ.

احکامی ذکر نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۶۱۹) یا اینکه در حدود زمانی حق استمتاع زوجه گفته شده است که ترک آمیزش با همسر بیش از چهار ماه صحیح نیست (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۷۱). روی دیگر این سخن این است که مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، زن بیش از مواقعه هر چهار ماه یکبار، حقی بر گردن زوج ندارد (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸۲؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۰۶؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۴). حتی شیخ مفید از این هم فراتر می‌رود و در کتاب *احکام النساء*، نامی از این حق بین حقوق زنان به میان نمی‌آورد (ر.ک. شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۴۰۸).

در نفی استحقاق زوجه در کمتر از چهار ماه، میان زوجه جوان و سالمند یا حاضر و مسافر و غیر آن تفاوتی گذاشته نشده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۱۰). در واقع ترک رابطه جنسی با زوجه در مدت کمتر از چهار ماه، به‌طور مطلق مجاز است. گذشته از حق مواقعه در شرایط معمول، در مواردی مانند فقدان شوهر یا عارض شدن ناتوانی جنسی بر وی بعد از ازدواج نیز، این رویکرد دیده می‌شود؛ یعنی زن از کمترین حق جنسی برخوردار است. به‌طور نمونه، در حالتی که مرد مفقود شده است، به جهت اطلاع یافتن از سرنوشت شوهر، زن باید تا چهار سال انتظار بکشد یا در صورت وجود اختلالات جنسی مرد، زن نمی‌تواند از این حق خود بهره‌مند شود و باید به‌منظور معالجه شوهر، تا یک سال صبر کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۲۹) که در این صورت، حق جنسی زن در بُعد زمان، به کمینه نهایی خود می‌رسد یا در اختلال «عنن» در فرض اینکه عارضه بعد از عقد و نزدیکی (ولو یک مرتبه) حادث شده باشد، اکثر فقها قائل به عدم جواز فسخ ازدواج توسط زن می‌باشند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۳۸۴) که در این صورت، زن به‌طور کلی تا هنگامی که در عقد این مرد باشد، از حق جنسی خود محروم می‌شود. دلیل فقها در این مسئله، اصل استصحاب و اصل «لزوم در عقود» است (فهرستی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷).

اگرچه این حکم و استدلال مربوط به آن، مورد توافق بسیاری از فقها قرار گرفته است، در عین حال، خالی از تأمل نیست. به‌طور نمونه، تعارض روایات در *مسالك الافهام*، به‌خوبی

قابل مشاهده است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۰۵). دو روایت خاص وجود دارد که یکبار وطی را کافی می‌داند تا حق فسخ به زن تعلق نگیرد.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۰). در مقابل، روایاتی وجود دارد که می‌گوید: فرقی بین هیچ و یکبار نیست. شهید ثانی از قول شیخ مفید و جماعتی دیگر این دیدگاه را مطرح کرده است. روایات مطلقاً هم داریم که به زن خیار داده شده و تفصیل داده نشده است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۰۵).

در این مسئله، جای تأمل و پرسشی حقوقی وجود دارد. با این توضیح که زنی که تنها در دوران زناشویی یکبار با او آمیزش شده است، قطعاً نیازش از نظر جسمی و روانی تأمین نخواهد شد و ادامه چنین وضعیتی عواقب ناگواری برای او به دنبال خواهد داشت (فهرستی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷).

۳.۱.۱. ادله دیدگاه حداقلی

۳.۱.۱.۱. ادله قرآنی

آیه ایلاء

مهم‌ترین مستند قرآنی رویکرد حداقلی، آیه ایلاء است که در بحث از اصل حق جنسی زوجه، شرح و تبیین آن گذشت. روایات متعددی در رابطه با ایلاء در ذیل آیه مطرح شده است (قمی، ۱۳۶۸ق، ج ۱، ص ۷۴) که حاکی از برخورد قضایی حاکم با مسئله ایلاء است و غایت صبر زن چهار ماه دانسته شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۶۸).

بررسی آیه ایلاء

خداوند اصل ایلاء را حذف نکرده است، اما برای آن حد معقولی قرار داده است. حرمت ایلاء به جهت مخالفت قرآن با مسئله قصد اضرار به زن است. از سویی، این مستند قرآنی

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي الْعَيْنِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ عَيْنٌ لَا يَأْتِي النِّسَاءَ، فُرَّقَ بَيْنَهُمَا وَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا وَقَعَةٌ وَاحِدَةٌ لَمْ يُفْرَقْ بَيْنَهُمَا وَالرَّجُلُ لَا يُرَدُّ مِنْ عَيْبٍ.
عَنْ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ امْرَأَةٍ ابْتَلَى زَوْجَهَا فَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْجَمَاعِ أَوْ تَفَارِقَهُ قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَتْ قَالَ ابْنُ مُسْكَانَ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ تَنْتَظِرُ سَنَةً فَإِنْ آتَاهَا وَإِلَّا فَارْقَتْهُ فَإِنْ أَحْبَبَتْ أَنْ تُقِيمَ مَعَهُ فَلْتَقِمِ.

مربوط به یک فرهنگ جاهلی است که شوهر در صورت تنفر (یا به قصد تنبیه)، به هم‌بستر نشدن با زن (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۳) سوگند یاد می‌کرد و اسلام با تحدید اثر آن به چهار ماه یا حکم طلاق پس از آن، راضی به استمرار چنین وضعی نشده است (توجهی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸-۲۴۵). نکته دیگر اینکه نمی‌توان چهار ماه را به تمام زنان تسری داد؛ چرا که زنان در مقابل غریزه جنسی متفاوت‌اند؛ همچنان که مردان متفاوت‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۷۳). به عبارتی، چهار ماه مذکور در صورتی است که زن بر اثر طول مدت به گناه نیفتد و لذا در مورد زنان جوان که بیم گرفتاری در گناه باشد، لازم است این فاصله کمتر شود. این مطالب مبتنی بر ادله نفی ضرر و حرج و حکم ثانوی است که در رویکرد اخلاقی، بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

۳.۱.۱.۲. ادله روایی

آنچه از روایات برمی‌آید، این است که شوهر نباید بدون عذر شرعی ارتباط جنسی با همسرش را بیش از چهار ماه ترک کند. گفتنی است در روایات به هیچ حد دیگری اشاره نشده است. مستند این دیدگاه مفهوم‌گیری از روایت صفوان بن یحیی از امام رضا علیه‌السلام (مهم‌ترین دلیل این دیدگاه) است که راجع به مردی پرسیده شده که همسر جوانی دارد و شوهر موقوعه با او را چند ماه یا یک سال ترک می‌کند، نه به این دلیل که به وی ضرر برساند و مورد آزار قرار دهد؛ بلکه به خاطر اینکه مرد مصیبت دیده است؛ آیا مرد مرتکب معصیت شده است؟ امام^(ع) در پاسخ صفوان فرمود: اگر بیش از چهار ماه موقوعه با او را ترک کند، معصیت کرده است، مگر اینکه با اجازه همسرش باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۹).

بررسی روایت

علی‌رغم استناد همه فقیهان به روایت صفوان، برخی از فقیهان به دلالت روایت اشکال کرده‌اند؛ مثلاً آیت‌الله شبیری زنجانی معتقد است که این روایت حداکثر زمان مجاز ترک رابطه جنسی را برای شوهری که چنین عذری دارد، بیان می‌کند. جواز مذکور شامل کسی که عذر ندارد و می‌خواهد به زن ضرر برساند، نمی‌شود؛ یعنی به غیر این مصداق (مصیبت‌زده)، مفهوم

ندارد؛ چون موضوع آن در مورد شخص مصیبت‌زده‌ای است که قصد اضرار به زن هم نداشته، ولی چون مشکل (مصیبت‌دیدگی) داشت، حضرت می‌فرماید این شخص حداکثر تأخیری که می‌تواند در مباشرت بیندازد، چهار ماه است؛ ولی از این استفاده نمی‌شود که همه افراد می‌توانند تا چهار ماه ضرر به زن بزنند و تأخیر بیندازند و از ادله ضرر هم استفاده می‌شود که جایز نیست» (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۴۸۳).

در ادامه بحث، باید به رویکرد اخلاقی و ادله آن نیز پردازیم تا مشخص شود ادله این رویکرد به تقویت جمع‌بندی حاضر می‌رسد یا خیر.

۳-۲. رویکرد استجابی (نگاه اخلاقی)

تفاوت در مبنای اخلاقی و حقوقی، وضعیت حق جنسی بانوان را تغییر خواهد داد. به این معنا که معیار در حق جنسی زن از حیث زمان، چهار ماه نیست؛ بلکه معیار نیاز و حاجت زن است که بالتبع پاسخگویی به نیاز زن را امری فردی خواهد کرد و در موارد متعددی در کمتر از چهار ماه لازم خواهد نمود.

۳.۲.۱. ادله رویکرد استجابی

رویکرد اخلاقی نیز همچون رویکرد حقوقی، ادله‌ای را برای اثبات خود دارد و قائلان به رویکرد استجابی و دیدگاه اخلاقی در روابط همسران ادله متعدد قرآنی، روایی و فقهی برای دفاع از دیدگاه خود مطرح می‌کنند.

۳.۲.۱.۱. ادله قرآنی

الف. اصل مماثلت در حق و تکلیف

بنابر اصل مماثلت «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸)، در حقوق واجب بین زوجین مماثلت وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۸؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۹) که حق جنسی نیز مصداقی از این حقوق است؛ یعنی همچنان که لازم است زن به نیاز مرد پاسخ بگوید، لازم است مرد نیز پاسخگویی نیاز زن باشد؛ به‌ویژه آن‌گاه که زن بترسد به حرام افتد (فضل الله، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴).

ب. دستور معاشرت به معروف

اصل معاشرت به معروف: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) دلالت بر مفهومی کلی و مجموعه رفتارهای مناسب دارد و دایره وسیعی از رفتارهای متقابل بین زوجین (به خصوص مردان) را شامل می‌شود. حداقل لازم حسن معاشرت در روابط زوجین، رعایت حقوق واجب (از جمله حقوق جنسی) و برآوردن نیازهای یکدیگر به جهت دستیابی به رضایت‌مندی زناشویی است (احمدیه، ۱۳۸۰، ص ۴۳). برخی از فقها با استناد به این آیات، التذاذ طرفینی در استمتاع را مطرح نموده‌اند^۱ (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۱۳).

۳.۲.۱.۲. ادله روایی

روایات متعددی مرتبط با عبارت «لَا تُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودَ كَهْ بَوْلِهِ» (بقره، ۲۳۳) وجود دارد که همسران را از اینکه به بهانه وجود فرزند شیرخوار یا بارداری زن، پاسخگوی میل جنسی یکدیگر نباشند، نهی کرده‌اند و تعبیر «وارد کردن ضرر و زیان» را به کار برده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۸۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۷). آیه مذکور و روایات مؤید آن به نحوی تعبیری از قاعده «لا ضرر» هستند.

۳.۲.۱.۳. ادله فقهی

گذشته از ادله قرآنی و روایی، قواعد فقهی متعددی نیز در تأیید رویکرد اخلاقی وجود دارد. - قاعده نفی ضرر: اقتضای قاعده نفی ضرر در مسئله حاضر این گونه است که زن در اثر خودداری شوهر از برقراری ارتباط جنسی به «ضرر و مشقت» بیفتد، هرچند این امر به ارتکاب گناه منجر نشود. به این معنا که اگر زن به خاطر میل و شهوت زیاد تا چهار ماه نمی‌تواند صبر کند و وضعیتش طوری است که اگر شوهرش با او نزدیکی نکند، دچار ضرر (گناه) می‌شود، احتیاط این است که شوهرش قبل از تمام شدن چهار ماه، با وی نزدیکی نماید یا اینکه طلاق

۱. و إذا كان الزوج عظيم الخلق، كبير البدن، غليظ الذكر، وكانت ضعيفة نحيفة نضو الخلق، عليها في جماعة شدة ضرر ولا تأمن الجنابة عليها يافضا، أو غيره، منع من جماعها لقوله تعالى «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ومن المعروف أن يكون الجماع على صفة يلتذان بها.

داده، راهش را باز کند^۱ که در چنین فرضی، بر شوهر واجب است نیاز جنسی همسرش را ارضا کند (شبیبری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۰).

- قاعده نفی حرج: قاعده مذکور را در این بحث، این‌گونه می‌توان تقریر نمود که اگر شوهر به ارضای جنسی همسرش اقدام نمی‌کند یا انحراف و اختلال جنسی در او وجود دارد، اگر زن به حرج و مشقت بیفتد، به حکم قاعده نفی حرج، تحمل این وضعیت بر زن وجوب شرعی ندارد. بنابراین می‌تواند به حاکم اسلامی مراجعه کند تا او شوهر را الزام کند که یا نیاز جنسی همسرش را برآورده سازد یا وی را طلاق دهد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۲۹). شهید ثانی بر این اعتقاد است که چون مردان که حق طلاق به دست آنهاست، به راحتی می‌توانند زن بیمار خود را طلاق دهند، پس به طریق اولی، زنانی که هیچ راهی برای نجات خود ندارند (در صورت وجود عسر و حرج)، باید حق فسخ را داشته باشند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۸۳).

- قاعده دفع و نهی از منکر: با استناد به ادله وجوب نهی از منکر می‌توان چنین گفت که هرگاه زن در معرض ارتکاب گناه جنسی باشد، شوهر موظف است با ارضای نیاز جنسی وی، از وقوع گناه جلوگیری کند. لزوم دور نگه داشتن اعضای خانواده از ارتکاب معصیت جنسی، طرف مقابل را موظف به نهی از منکر می‌کند (امامی راد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۸). در واقع می‌توان این‌گونه گفت که آنچه در اینجا کاربرد دارد، قاعده وجوب دفع منکر است که متضمن حرمت اقدام به زمینه‌سازی ارتکاب منکر از سوی دیگران و وجوب اقدام به پیشگیری از ارتکاب منکر به وسیله آنها می‌باشد (حاجی ده‌آبادی و اکرمی، ۱۳۹۶، ص ۹۹). از مهم‌ترین مستندات این قاعده، آیه وقایه^۲ (تحریم، ۶) است.

۳.۳. نقد و بررسی دو رویکرد

با توجه به ادله هر دو رویکرد، هرچند حکم مشهور حق زن بر رابطه جنسی در محدوده زمانی چهار ماه یک‌بار، برگرفته از روایت امام رضا^(ع) و الهام گرفته از آیه ایلاء است، این حکم،

۱. ضمن اینکه این زن بعد از طلاق هم باید عده طلاق (۴ ماه) را رعایت کند و مجاز به ازدواج نیست.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...».

«حکم اولی شرعی» است که ناظر به شرایط عادی است. در نتیجه اگر نیاز جنسی زن به دلایلی همچون جوانی یا میل بیشتر به رابطه جنسی، بیش از دیگران باشد، به نحوی که ترک رابطه برای وی حرجی باشد و ممکن است وی را در معرض معصیت و آلودگی اخلاقی قرار دهد، بر زوج لازم است تا به نیاز همسرش توجه کند یا وی را رها سازد (طلاق دهد) (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۵۰) و با توجه به خطابات قرآنی، از جمله اصل «معاشرت به معروف» و «مماثلت در حقوق»، می‌توان چنین گفت که بر مرد واجب است هر زمان که زن نیاز جنسی داشت، نیاز وی را پاسخ گوید؛ همچنان که در طرف مقابل چنین است.

این مطلب در کتاب‌های فقهی و فتاوی‌ای معاصر نیز جلب توجه می‌کند. «هرگاه زن قادر به صبر تا چهار ماه نباشد، به طوری که مرد خوف داشته باشد وی در حرام واقع شود، پس احتیاط آن است که به همبستری با وی قبل از چهار ماه، مبادرت ورزد یا وی را طلاق داده و آزادش گذارد» (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱). در ادامه بحث، به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهد شد. بنابر اصل دفع منکر از خانواده، این نظریه تقویت می‌شود؛ به این معنا که هر مؤمنی وظیفه دارد مانع خود و اعضای خانواده‌اش از آتش جهنم شود که به طور حتم، یکی از مصادیق آیه وقایه، حفظ خود و خانواده از شهوت جنسی است (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۸۶).

در جمع‌بندی می‌توان این گونه گفت که این چهار ماه بالاترین حد زمانی است که شارع تعیین کرده و برای زمان‌های خاصی همچون ایلاء، مصیبت یا سفر است نه برای شرایط عادی و به عبارتی نیاز است که وجوب را تعیین می‌کند و چهار ماه یک‌بار حداقل حق است و از قانون حق قسّم برای زنان، این طور به نظر می‌رسد که تأکید بر ایجاد یک فضای مناسب در دوره‌های حداکثر چهار روز یک بار است تا زمینه وجود لذت همیشگی فراهم باشد. با توجه به اینکه فلسفه ازدواج برای مرد و زن هر دو، نگهداری نفس و عفت جنسی است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۷۸)، مرد نمی‌تواند خود را غیرمسئول و مبرا بداند؛ چنان‌که در این موارد، فقها نیز مبادرت به آمیزش قبل از چهار ماه را لازم دانسته‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۷۶). قابل توجه است که این

رویکرد با روایاتی که مرد را مسئول محافظت جنسی از همسرانش می‌داند، متعارض است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۹۴). به همین جهت، برخی از فقها فاصله چهار ماه را مخصوص مواردی دانسته‌اند که زن در اثر طول مدت به گناه نیفتد. در غیر این صورت، به‌خصوص در مورد زنان جوان، تقلیل فاصله یادشده را تا حدی که نیاز جنسی زن تأمین گردد، لازم دانسته‌اند^۱ (توجهی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸-۲۴۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۱۰).

در توضیح این رویکرد اخلاقی، توجه به اصل «منع امساک اضرائی» (همسررداری همراه با امتناع از ادای حقوق و آزار و اذیت) رهگشاست. مردی که چنین شیوه‌ای دارد، در حقیقت از اختیار خود در حق طلاق، سوءاستفاده کرده است (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۱۹، ص ۲۸۷) که قرآن از این شیوه همسررداری نهی می‌کند.

۴. آرای بزرگان فقه در تأیید رویکرد استجابی

فتاوی متعددی از فقها در تأیید رویکرد دوم (اخلاقی) وجود دارد؛ هرچند برخی از آنها با عبارت «احتیاط واجب» بیان شده‌اند که در زیر، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و آیت‌الله مرعشی نجفی: زمانی که زوجه به جهت شدت نیاز جنسی، قادر بر صبر کردن بر چهار ماه نباشد، به‌گونه‌ای که به گناه بیفتد، پس احتیاط مبادرت به نزدیکی قبل از چهار ماه یا طلاق و رها کردنش است^۲ (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۱۰؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۰۸).

آیت‌الله خویی: بر شوهر واجب است که با زن گرم مزاجش در کمتر از چهار ماه هم نزدیکی کند تا او را از واقع شدن در معصیت حفظ نموده، راه گناه را بر او ببندد (موسوی خویی، بی‌تا، ج ۳۲، ص ۱۲۲).

۱. إذا كانت الزوجة من جهة كثرة ميلها و شبقها لا تقدر على الصبر إلى أربعة أشهر بحيث تقع في المعصية إذا لم يواقعها فالأحوط المبادرة إلى مواععتها قبل تمام الأربعة أو طلاقها و تخلية سبيلها.

۲. «إذا كانت الزوجة من جهة كثرة ميلها و شبقها لا تقدر على الصبر إلى أربعة أشهر بحيث تقع في المعصية إذا لم يواقعها فالأحوط المبادرة إلى مواععتها قبل تمام الأربعة أو طلاقها و تخلية سبيلها».

آیت‌الله مکارم شیرازی: «مرد نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با همسر دائمی خود را ترک کند؛ بلکه اگر زن جوان باشد و در این مدت، بیم آن برود که به گناه بیفتد، احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که به گناه نیفتد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۹۹).

آیت‌الله شبیری زنجانی: «چهار ماه را شارع از باب ضرر نوعی ملاحظه و تشریح نموده است، ولی ضرر شخص را هم ملاحظه می‌نماید؛ همان‌طور که شارع در مورد پوشاک و نفقه گفته باید به میزان متعارف باشد، در اینجا هم باید به گونه‌ای باشد که خرج زن رفع شود. حتی لازم نیست که زن به زنا و معصیت بیفتد تا وظیفه مرد مباشرت باشد؛ بلکه حتی بدون معصیت، فقط برای زن سخت است، باز هم مرد نباید بگذارد به او سخت بگذرد و بعید نیست که فرض عسرت و سختی هم وظیفه مرد تأمین آن باشد» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۴۸۳).

۵. تبیین مؤلفه‌های مؤثر در الگوی مطلوب حقوق جنسی بانوان

در راستای تبیین الگوی مطلوب در حقوق جنسی بانوان، توجه به چند امر ضروری است:

۵.۱. توجه به جایگاه عرف در امور جنسی زوجین

یکی از موارد تأثیرگذار در حقوق همسران، توجه به عرف است که بی‌توجهی به آن سبب به وجود آمدن چالش‌های بنیادی در جامعه می‌شود. در قانون نیز در تدوین بسیاری از مسائل مربوط به خانواده، عرف و عادت مسلم مبنای نظر قرار گرفته است و بسیاری از قوانین خانواده از جمله روابط همسران را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن عرف تفسیر کرد (امامی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۹۷).

از آنجا که بسیاری از عرف‌های رایج بین مردم از تسامح و بی‌اعتنایی آنها به دین نشئت گرفته است، توجه به ملاک‌های شرعی و قانونی عرف ضروری است (رفائی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). به عبارتی، عرف باید شروط معتبر شرعی و قانونی را (بر اساس شاخصه‌های رضایت جنسی اسلامی) داشته باشد تا قابلیت استناد داشته باشد (عظیم‌زاده اردبیلی و محمدی آرانی، ۱۳۹۱، ص ۷۹). به‌طور نمونه، اقدام مرد به آمیزش در مواردی که زن تمایلی به آن نداشته باشد، در حقوق غرب از مصادیق تجاوز به عنف شمرده می‌شود؛ در حالی که در حقوق اسلامی، چنین موردی حق شوهر است تا زمانی که زن عذر موجه شرعی نداشته باشد.

ارتباط این بحث با حقوق جنسی بانوان این است که آیا محق ساختن زن به بهره‌مندی از رابطه جنسی چهار ماه یکبار با عرف جامعه کنونی سازگار است و عرف عاقل متشرع آن را برطرف‌کننده نیازهای جنسی زن امروز می‌داند.

برخی از حقوق‌دانان در پاسخ به این سؤال چنین گفته‌اند که برآوردن نیازهای جنسی همسر به صورت نیکو و متعارف و توأم با عدل و انصاف، مورد نظر شارع بوده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۷).

۵.۲. توجه به تقدم رویکرد اخلاقی (استحبابی) بر رویکرد حقوقی (حداقلی)

اخلاق در مقایسه با حقوق، نفوذ و سلطه بیشتری در خانواده دارد و بیش از آن می‌تواند روابط زوجین را تنظیم کند. برخورداری از روابط جنسی و لذت‌رسانی به شکل متعارف، نوعی معاشرت نیکو و تعامل حسنه به شمار می‌آید.

اصل «معاشرت به معروف» هرچند در ظاهر یک حکم اخلاقی است، در نظام حقوقی خانواده نیز به‌عنوان یک اصل فقهی-حقوقی مورد توجه است و ضابطه و ملاکی برای تعیین حقوق و تکالیف قرار می‌گیرد (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۴) و این امر در واقع حاکمیت اخلاق در حقوق را می‌رساند.

۵.۳. چشم‌پوشی از حقوق در مقابل مصالح خانوادگی

وضع حقوق و تکالیف زناشویی به‌طور عام و حقوق جنسی به‌طور خاص به‌منظور حفظ کيان خانواده و در راستای عدالت استحقاقی زن و شوهر است. اما گاهی شرایط خاصی پیش می‌آید که دستیابی به حقوق و انجام وظایف مقدور نیست و به‌منظور مصالح خانواده، باید از آنها چشم‌پوشید. در موضوع مورد بحث هم، تعیین مدت چهار ماه به‌عنوان یک حکم شرعی (بر اساس رویکرد حقوقی) یا در مدت کمتر (بر اساس رویکرد اخلاقی) منافاتی با این مطلب ندارد که در برخی شرایط استثنایی که محرومیت جنسی زن ناشی از کوتاهی شوهر نیست، به‌دلیل مصالح خانوادگی، زن از این حق برخوردار نشود که نمونه بارز این شرایط استثنایی، عروض ناتوانی جنسی بر شوهر پس از ازدواج و نیز مفقود شدن اوست.

در این دو وضعیت خاص به دلیل آنکه احتمال معالجه و بهبودی شوهر ناتوان و نیز احتمال

پیدا شدن شوهر مفقود در کار است، ارضای جنسی زن تحت الشعاع مصالح مهم‌تر خانوادگی قرار گرفته است؛ یعنی با توجه به اهتمام اسلام به بقای خانواده و جلوگیری از گسست آن، احکام ویژه‌ای در فروع مختلف این دو مسئله بر خلاف قاعده پیشین مقرر شده است که از جمله می‌توان به لزوم انتظار کشیدن زن تا یک سال به منظور معالجه شوهر (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۲۹) و لزوم انتظار کشیدن همسر شخص مفقود تا چهارسال به منظور اطلاع یافتن از سرنوشت وی اشاره کرد (همان، ج ۲۲، ص ۱۵۷).

۵.۴. توجه به حساسیت روانی بانوان

درباره نیاز و غریزه جنسی زنان باید به حساسیت روحی ایشان نیز توجه داشت؛ انحصار پاسخگویی به نیاز جنسی زن متأهل توسط شوهر و تأثیرات منفی روحی و روانی عدم توجه به این نیاز در زنان، آسیب‌های متعددی بر ایشان وارد خواهد ساخت.

نگاه به این نیاز از دریچه حق مرد و تکلیف زن، وضع حقوق حداکثری و تکلیف حداقلی برای مرد و حقوق حداقلی و تکلیف حداکثری را برای زن موجب شده است. این در حالی است که در نظر گرفتن آن به صورت حق و تکلیف توأمان می‌تواند از بروز آثار بد روحی و روانی در زنان جلوگیری کند و رضایت از زندگی را در آنان افزایش دهد (شعربافچی زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۹). نهایتاً اینکه اقتضای احسان و انصاف در روابط زناشویی آن است که مرد هم بر خود به لحاظ اخلاقی، لازم بداند که اگر زنش صرفاً از روی سرخوشی و لذت‌طلبی نیازمند رابطه جنسی بود، مرد او را ارضا کند؛ حتی اگر خوف گناه و ضرر و حرج نباشد، چنان‌که زن همین کار را می‌کند.

یافته‌های پژوهش

در بسیاری از احکام زناشویی و روابط جنسی زوجین، ملاک پیشگیری از ضرر است. با تسری ملاک عدم ضرر در روابط، رویکرد اخلاقی تقویت خواهد شد. بنابراین نظریه احتیاط درباره لزوم نزدیکی در کمتر از چهار ماه در صورت خوف ضرر قابل دفاع است. این مطلب در زمان ما اهمیت مضاعفی دارد. تفاوت زمان حاضر با گذشته در فراوانی محرک‌های جنسی و آلودگی‌های محیطی است. هرچند زنان به خودداری نگاه و نفس مکلف‌اند، شوهر نیز نسبت

به صیانت از همسر در قبال آسیب‌های احتمالی مسئولیت دارد. لذا وجوب آمیزش برای شوهر در کمتر از چهار ماه خالی از توجیه نیست.

در نهایت، باید به این نکته اشاره کنیم که با استناد به دلایل فوق، درصدد اثبات مطلبی بر خلاف قول مشهور فقهی نیستیم؛ بلکه مقصود از توجه به رویکرد اخلاقی، عنایت به نیاز و غریزه جنسی همسر در کمتر از چهار ماه و پیشگیری از متضرر شدن و در عسر و حرج واقع شدن به جهت نیاز جنسی است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. تحقیق و تصحیح جمعی از محققین و مصححین تحت اشراف جعفر سبحانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
- ابن ادریس (حلی)، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- احمدیه، مریم (۱۳۸۰). «حقوقی کردن اخلاق در خانواده». *مطالعات راهبردی زنان*، (۱۲).
- استور، آنتونی (۱۳۷۵). فروید. تهران: طرح نو.
- امامی راد، احمد و همکاران (۱۳۹۸). «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی». *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، ۶(۱۲).
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۸). *حقوق مدنی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- امیرخانی، شکیبیا و ویسی، محمود (۱۳۹۸). «بازخوانی ادبیات فقهی حاکم بر روابط جنسی زوجین با رویکرد تحقق سلامت جنسی در ازدواج». *فقه پزشکی*، ۱۱(۴۰-۴۱)، ص ۶۸-۵۹.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: واحد تحقیقات اسلامی، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. تحقیق و تصحیح محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۹). «لزوم جرم‌انگاری نشوز زوج». مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۸.
- توسلی، حسین (۱۳۷۷). «تحلیل حق». مجله حقوق اسلامی، شماره ۷.
- توکلی، غلامحسین (۱۳۷۸). خاستگاه دین از نگاه فروید. تهران: سهروردی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و اکرمی، روح‌الله (۱۳۹۶). «کاربست قاعده دفع منکر در قلمرو خانواده با کاوشی در دلالت آیه وقایه». فقه و حقوق اسلامی، ۴(۷).
- حافظی، معصومه و حسام‌پور، طیبه (۱۳۹۸). «مقایسه رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا در انعطاف‌بخشی به روابط همسران و حقوق زنان (با تأکید بر آیه ۲۲۸ سوره بقره)». مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۱، ص ۲۵-۴۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. تصحیح محمد بن محمد الحسین القائینی. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین. قم: دفتر آیت‌الله سیستانی، چاپ پنجم.
- حلی (محقق)، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. تصحیح هاشم رسولی. قم: اسماعیلیان.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن. بیروت: دار الفکر العربی.
- داداشی چکان، محمدمهدی و آشنا، حمید (۱۳۹۷). «نشوز زوج، تزلزل در سلامت جنسی زوج، وضعیت فراموش‌شده در قوانین ایران». مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۹، ص ۳۵-۵۴.
- راسل، برتراند (۱۳۶۵). تاریخ فلسفه غرب. تهران: پرواز.
- رفائی، سلیمه (۱۳۹۷). «نقش عرف در تفسیر قوانین خانواده در نظام حقوقی ایران». مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، شماره ۱.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح؛ تصحیح مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز. قم: مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، چاپ اول.
- شعرافچی‌زاده، مرضیه؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ آذری، هاجر و میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۹۹). «تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی». فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۴(۵۰).
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی.

- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۲). حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۲ق). العروة الوثقی. شرح سید روح‌الله موسوی خمینی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تحقیق و تصحیح سید محمدتقی کشفی. تهران: المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۰۰ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تحقیق سید محمدمهدی خراسان. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تصحیح احمد حبیب عاملی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول.
- عباسی، مهدی و پسندیده، عباس (۱۳۹۶). الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی. قم: دار الحدیث.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۶). «مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم». ندای صادق، شماره ۴۸.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و محمدی آرانی، اکرم (۱۳۹۱). «نقش عرف در حقوق غیرمالی زوجین». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۹.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. تصحیح محمدباقر شریف‌زاده و محمدباقر بهبودی. تهران: مرتضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۳۸۳). دنیای زن. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- _____ (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.

- فهرستی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی حقوق جنسی زوجین و چالش‌های مرتبط با آن (مطالعه موردی: فسخ نکاح و عیوب مجوز آن)». فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی، شماره ۲۸.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ق). الجامع الأحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی. تهران: چاپ اسلامی، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۰۶ق). منهاج المؤمنین. گردآوری سید عادل علوی. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. تهران: صدرا.
- مظفری، مصطفی و پوراسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۰). «اخلاق‌گرایی نه قانون‌گذاری: سهم اخلاق در پهنه خانواده». خانواده‌پژوهی، شماره ۲۷، ص ۲۶۷-۲۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۴۲۹ق). رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، چاپ پنجاه‌ودوم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). منهاج‌الصالحین. قم: مدینه العلم، چاپ بیست‌وهشتم.
- _____ (بی‌تا). التنقیح فی شرح العروه. قم: مؤسسه الخوئی الإسلامیه.
- مؤمن، رقیه سادات (۱۳۹۲). جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران. ویراستار علمی: صدیقه مهدوی کنی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام. تحقیق محمود القوچانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نظری توکلی، سعید و کراچیان ثانی، فاطمه (۱۳۹۷). «قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانواده». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۹، ص ۳۷۸-۳۵۹.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۵). «کارکردهای اصل عفاف در حقوق خانواده». حقوق اسلامی، شماره ۵۱، ص ۷۰-۴۱.